

بررسی تطبیقی توسعه انسانی رایج با آموزه‌های اسلامی و ارائه

الگوی جایگزین

احمدعلی یوسفی^۱

چکیده

نظریه‌های توسعه انسانی مبتنی بر نگاه سکولاری و انسان‌محوری، مدعی هستند که برای تحوّل اجتماعی و اقتصادی جامعه انسانی ارائه شده‌اند. اما موفقیت چندانی به لحاظ نظری و اجرایی نداشته‌اند. مشکل اصلی این نظریه‌ها آن است که به عامل اصلی تحوّل توسعه که انسان باشد ناظر نیستند. تمام این نظریه‌ها در چارچوب سرمایه‌سالاری نظام اقتصادی سرمایه‌داری سکولار، ارائه و پیگیری می‌شوند. این جریان هرگز قادر نیست، نقش اصلی را در فرایند توسعه به انسان بدهد. اما بر پایه مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، ضمن این که سرمایه و صاحب سرمایه، نقش مناسبی در فرایند تحقق جامعه پیشرفته اسلامی دارد، به انسان به عنوان عامل اصلی بستر ساز تحقق پیشرفت جامعه اسلامی، نقش اساسی داده می‌شود و با ارائه و اجرای مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی، انسان‌ها در فرایند اقتصادی به سمت انسان مورد نظر اسلام، متحوّل شده و به وسیله چنین انسان‌هایی جامعه مطلوب پیشرفته اسلامی دست‌یافتنی می‌شود. ظرفیت مدل‌های مردم‌سالاری برای تحقق جامعه پیشرفته اسلامی یکسان نیستند؛ بنابراین، هر مدلی دارای ظرفیت بیشتری باشد، در اولویت قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، نظام سرمایه‌داری، جامعه مطلوب اسلامی، مردم‌سالاری اقتصادی

مقدمه

همه الگوهای توسعه انسانی مبتنی بر نگاه سکولاری و انسان‌محوری نظام اقتصادی سرمایه‌داری ارائه شده‌اند. صاحب‌نظران توسعه بر مفهوم جامعه توسعه یافته، متفق‌القول نیستند؛ اما همه آنان مهمترین عنصر جامعه توسعه یافته را رفع فقر و تامین رفاه مادی

^۱ دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

برای آحاد انسانی می‌دانند. ولی آمارهای رسمی نهادهای بین‌المللی حاکی از آن است که اجرای این الگوها موفق به تامین حداقل‌های توسعه - رفع فقر مطلق برای جهانیان - نشده و با گسترده شدن شکاف درآمدی، فقرزایی در روابط اقتصادی جهان نهادینه شده است. مدعیان نظام سرمایه‌داری آموزه‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری، جهان شمول می‌دانند؛ بنابراین، الگوهای توسعه انسانی مبتنی بر مبانی نظام سرمایه‌داری سکولار را باید جهان شمول تلقی کرد. در نتیجه، اگر یک کشور کوچکی موفقیت‌های اندکی در توسعه داشته است، نباید معیار موفقیت نظریه‌های توسعه نظام سرمایه‌داری دانست. بلکه کل جهان را که قرن‌ها زیر سیطره نظام اقتصادی سرمایه‌داری قرار دارد، باید مورد ملاحظه قرار داد.

این تحقیق هم به لحاظ نظری و هم با توجه به آمارهای رسمی بین‌المللی ناکامی الگوهای توسعه مبتنی بر آموزه‌های نظام سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. آن‌گاه با تعریف روشنی از جامعه مطلوب اسلامی، مبانی نظری آن را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که تعالیم اسلامی ظرفیت نظری لازم برای ارائه الگوهای مطلوب و پیشرفته جامعه بشری را دارد و با ارائه ویژگی‌ها و تعریف روشن از جامعه مطلوب و پیشرفته، الگوی اجرایی آن را نیز براساس تعالیم اسلامی ارائه می‌دهد. الگوهای نظام سرمایه‌داری غالباً ناظر به توسعه برای انسان‌ها هستند و کاری به عامل اصلی توسعه - انسان - ندارند. اما الگوهای پیشرفت مطلوب اسلامی افزون بر آن‌که ناظر به پیشرفت جامعه برای همه انسان‌ها هستند، بر عامل پیشرفت مطلوب که خود آحاد انسان‌ها باشند، تاکید دارند. به همین جهت نظریه پیشرفت مطلوب اسلامی در چارچوب مردم‌سالاری دینی تعریف می‌شود که منتهی به پیشرفت مطلوب فراگیر پایدار حداکثری می‌گردد.

بنابراین، مقاله با سامانه ذیل پیگیری می‌شود:

۱. توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری.
 ۲. ناکامی توسعه مبتنی بر آموزه‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری.
 ۳. تحلیل ناکامی نظریه‌های توسعه انسانی.
 ۴. جامعه پیشرفته مطلوب اسلامی.
 ۵. مبانی جامعه پیشرفته اسلامی.
 ۶. مدل اجرایی مطلوب جامعه پیشرفته اسلامی.
- قبل از پیگیری محورهای مقاله، مفهوم چند واژه بیان می‌شود.

مردم‌سالاری اقتصادی: به جریان اقتصادی‌ای گفته می‌شود که همه فعالان اقتصادی، متولی امور اقتصادی باشند؛ هم بهره‌مند از همه حقوق اقتصادی و هم به تکالیف خود در عرصه اقتصادی عمل کنند.

سرمایه‌سالاری اقتصادی: جریان اقتصادی‌ای است که صاحبان سرمایه به سبب قدرت سرمایه خود متولیان حقیقی امور اقتصادی هستند. صاحبان سرمایه با قدرت سرمایه خود، مالکیت منابع و محصول تولیدی و مدیریت فرایند اقتصادی را در اختیار می‌گیرند. فعالان حقیقی اقتصادی، برای حداقل‌های زندگی به استخدام سرمایه و صاحب آن درمی‌آیند.

توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری.

پیش از الگوی توسعه انسانی، دو دسته الگوی توسعه اقتصادی رشدمحور و عدالت‌محور از دهه ۱۹۵۰-۱۹۸۰ مطرح شدند. ناکامی این الگوها در تحقق اهداف توسعه به‌ویژه غفلت آن‌ها از هدف توسعه که انسان باشد، موجب بازنگری در الگوهای توسعه و اهداف آن شده است. محبوب‌الحق مشاور مخصوص مدیر برنامه توسعه سازمان ملل و مدیر هماهنگ‌کننده نخستین گزارش توسعه انسانی علت توجه به «توسعه انسانی» را چنین بیان می‌کند:

اقتصاد توسعه با راهی که تا به امروز پیش گرفته، به بدفرجامی رسیده است؛ یعنی ماهیت و غایت انسانی خود را از دست داده و از انسانیت بری شده است. این بیراهه تأسفبار نتیجه آن است که با دل مشغول‌شدن به سنجش حساب‌های درآمد ملی از خود زندگی انسان غافل مانده است. پس تأکید می‌کند که بر توسعه انسانی در سالیان اخیر مطرح شده است، در حقیقت اعتراض به این غفلت توجیه‌ناپذیر و بی‌توجهی نابخشودنی است (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۷، ۱۵).

آن‌گاه پس از توجه به توسعه انسانی، گزارش توسعه سازمان ملل متحد، توسعه انسانی را این‌گونه ارایه می‌کند:

در تمام سطوح توسعه، مسئله برای مردم عبارت است از: برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دستیابی به دانش و توانایی رسیدن به منابعی که برای پدیدآوردن سطح مناسب زندگی لازم است. چنانکه این سه امکان غیرقابل حصول بماند، بسیاری از موقعیت‌های دیگر زندگی دست‌نیافتنی خواهد بود، اما توسعه انسانی به همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. انتخاب‌های دیگری نیز نزد مردم ارزش بالایی دارند؛ مانند آزادی سیاسی،

اجتماعی و اقتصادی، داشتن موقعیت و فرصت برای دستیابی به نقشی خلاق و سازنده، برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده (UNDP, Human Development Report, 1990, P.10, BOX 1.1).

همچنین، آمارتیا سن با انتقاد از الگوی توسعه قبلی و تبیین توسعه انسانی می‌نویسد: به جای اینکه فقط بر تعداد کمی از شاخص‌های سنتی پیشرفت اقتصادی (مانند تولید ناخالص ملی سرانه) تمرکز شود، باید توسعه انسانی تبیینی نظام‌مند از ثروت اطلاعات درباره اینکه بشر در هر جامعه‌ای چگونه زندگی می‌کند و از چه آزادی‌های ذاتی لذت می‌برد، ارائه کرد (UNDP, Human Development Report 2010, pp. vi-vii).

آمارتیا سن مفهوم توسعه انسانی را گسترش آزادی واقعی می‌داند و در توضیح آن می‌نویسد: «هدف عمده برای توسعه اقتصادی، گسترش دامنه انتخاب یعنی افزایش دامنه گزینه‌های مؤثر در دسترس مردم است» (سن، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۲۲).

امروزه صاحب‌نظران توسعه، به تحقق اهداف توسعه انسانی با تردید می‌نگرند. چون بسیاری از اموری را که به عنوان اهداف توسعه انسانی معرفی شده، راه‌حل مشخصی برای وصول به آن ارائه نشده است. برخی نیز مدعی هستند که راه‌حل مشخصی برای وصول به اهداف توسعه و تحقق الگوهای توسعه انسانی وجود ندارد. هلن کلارک مدیر برنامه توسعه سازمان ملل در تدوین گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ می‌نویسد: «داده‌های چهل سال گذشته آشکار می‌کنند که راه‌های دستیابی به توسعه انسانی بی‌شمار و متنوع بوده و مدل یگانه یا نسخه متحدالشکلی برای موفقیت وجود ندارد» (UNDP, Human Development Report 2010, pp. iv-v).

گزارش ۲۱ ساله توسعه انسانی، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ میلادی، درباره موضوعات مهمی همانند فقر، عدالت، برابری، مهاجرت نشان می‌دهد که الگوهای توسعه انسانی همواره یک‌سری توصیه‌های بدون ضمانت اجرایی و غیرواقعی ارائه می‌کنند (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به جهانیان، ۱۳۹۱، ۴۵-۴۸. و نیز برای مطالعه گزارش‌های توسعه انسانی رجوع کنید به آدرس اینترنتی <http://hdr.undp.org/en>). اریک ثوربک درباره هدف‌های هزاره توسعه برای سال ۲۰۱۵ که در جهت الگوی توسعه انسانی است، می‌نویسد:

هدف‌های هزاره توسعه چارچوبی عمومی برای رصد کردن پیشرفت جهان سوم در جست‌وجوی برای بهبود بخشیدن به سطوح رفاه انسانیش فراهم می‌کند. اگرچه خیلی

زود است تا پیش‌بینی مطمئنی داشته باشیم، اما بیشتر هدف‌های هزاره در یک سطح بالای غیرواقع‌بینانه اظهار شده؛ بنابراین خیلی احتمال وقوع ندارد (Thorbecke, 2006, p.31). نگاه مایوسانه درباره توسعه انسانی باعث شده است تا برخی اندیشه‌مندان توسعه ادعا کنند که قرن بیست و یکم میلادی، فاقد ایده‌های بزرگ درباره توسعه است. (Thorbecke, 2006, p.26).

نکاتی ناظر به نظریه‌های توسعه انسانی

۱. در تمام این نظریه‌ها، تغییر روابط اقتصادی و اجتماعی به نفع انسان، مد نظر است. اما به تحوّل مهمترین عامل توسعه که خود انسان باشد، توجهی ندارند. این امر یک مسأله‌ای نیست که از روی غفلت اتفاق افتاده باشد؛ بلکه در مباحث آتی روشن می‌شود که وقتی خدامحوری و توحید افعالی و عملی از روابط اقتصادی و اجتماعی جای خود را به انسان‌محوری و دیدگاه‌های سکولاری شرک نسبت به خدای متعال، بدهد؛ جریان سرمایه‌سالاری در روابط اقتصادی و اجتماعی، تحوّل انسان را به عنوان عامل اصلی توسعه و پیشرفت بر نمی‌تابد.

۲. مبتنی بر نکته پیش، نظریه‌های توسعه انسانی در چارچوب فکری نظام اقتصادی سرمایه‌داری هرگز نمی‌توانند بستر انواع انتخاب‌ها را برای عموم مردم در عرصه بین‌المللی فراهم کنند. چون این جریان مسلط بر جهان، مالکیت منابع و محصول تولیدی و مدیریت تمام فرایند اقتصادی را در اختیار سرمایه و صاحب سرمایه قرار می‌دهد و فعالان حقیقی اقتصادی - نیروهای کار ماهر، نیمه ماهر و ساده - نه مالک منابع و محصول تولیدی هستند و نه هیچ نقش و آزادی اقتصادی در مدیریت فرایند اقتصادی دارند.

۳. وقتی مبنای هستی‌شناختی توسعه انسانی، انسان‌محوری قرار گیرد، مهم نیست که آزادی انسان برای گستره انتخاب براساس چه ملاکی و برای چه امری اتفاق می‌افتد؟ آیا برابری انتخاب‌های ناهمگون و نامتجانس مانع بزرگ توسعه انسانی و تحقق رفاه مطلوب نیست؟! در گزارش ۲۱ ساله توسعه انسانی کمتر به آسیب‌شناسی جدی و ریشه‌ای نظریه‌های توسعه انسانی پرداخته شده است (جهانیان، ۱۳۹۱، ۴۵-۴۸). این امر از روی غفلت صورت نگرفته است؛ بلکه وقتی مبنای هستی‌شناختی توسعه انسانی، انسان‌محوری

قرار گیرد، آزادی و انتخاب‌های گسترده، هدف توسعه انسانی می‌شود و برای جنبه‌های ایجابی آن تنها به برخی امور کلی و آرزوها بسنده می‌گردد.

۴. افزون بر مطالب بیان شده، نفوذ نظام سرمایه‌داری در سطح بین‌المللی و نگاه منفعت‌طلبانه این نظام مانع از بیان واقعیت‌های توسعه در جهان می‌شود. در گزارش توسعه انسانی، کشورهای همانند بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی که هرگز یک انتخابات ملی را تجربه نکرده‌اند به عنوان کشورهای توسعه یافته معرفی می‌شوند. در این گزارش بیان نشده است که چگونه مردم این کشورها قادر به انتخاب‌های گسترده هستند! (رجوع کنید به جهانیان، ۱۳۹۱، ص ۵۴. و نیز برای مطالعه گزارش‌های توسعه انسانی، رجوع کنید به آدرس اینترنتی <http://hdr.undp.org/en>)

۵. گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۶ بیان می‌دارد که طی ۱۵ سال گذشته حدود ۱۰۰ کشور جهان که یک سوم جمعیت کره زمین را در خود جا داده‌اند، رشدی نداشته و ثروت‌سازی نکرده‌اند. این گزارش افزوده است که میان رشد اقتصادی و توسعه انسانی در بسیاری از کشورها رابطه‌ای وجود نداشته یا اینکه رابطه یک‌طرفه بوده است؛ یعنی رشد بدون توسعه انسانی بوده یا توسعه انسانی با اندکی رشد اقتصادی همراه بوده یا اصلاً رشدی وجود نداشته است. (سپهری، ۱۳۷۸، صص ۱۵۶-۱۵۹).

در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۱ اعلام شده است که نابرابری درآمدی بدتر شده است (Human Development Report, 2011, pp.23-24). متأسفانه هر چقدر دنیا ثروتمندتر می‌شود وضعیت نابرابری بدتر می‌گردد؛ به طوری که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، درآمد پنجک ثروتمند، ۳۰ برابر پنجک فقیر دنیا بود، اما این نسبت، بعداً ۸۰ برابر شده است. (Gordon, 2004, p.6) براساس گزارش منتشر شده بانک جهانی در سال ۲۰۰۸، این نسبت به ۱۱۴ برابر رسیده است (Milanovic, 1999, pp. 51-92). مطابق تحقیقی که فرانسویس بورگیگنون و کریستین موريسن در مورد توزیع درآمد مردم جهان از سال ۱۹۹۲-۱۸۲۰ یعنی برای دوره بعد از انقلاب صنعتی تا اواخر قرن بیستم انجام داده‌اند، مشخص شد که سهم بیست درصد فقیر شهروندان دنیا از درآمد جهان در سال ۱۸۲۰، ۴/۵٪ بوده در حالی که در سال ۱۹۹۲ بدتر شده و به ۲٪ رسیده است. این در حالی است که سهم ده درصد ثروتمند شهروندان دنیا از ۴۳/۱٪ به ۵۳/۴٪ افزایش یافته است. همینطور است وضعیت ضریب جینی؛ به گونه‌ای که از ۵۰۴/۰ به ۶۶۳/۰ افزایش یافته است که نشان دهنده بدتر

شدن نابرابری در سطح جهان می‌باشد (بیو، ۱۳۷۶، ص ۳۲۹). در سال ۱۹۶۰ سرانه تولید ناخالص داخلی در ۲۰ کشور غنی، ۱۸ برابر ۲۰ کشور فقیر دنیا بود. این شکاف تا سال ۱۹۹۵ به ۳۷ برابر رسید، پدیده‌ای که از آن اغلب به واگرایی تعبیر می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۱، صص ۱۱۹-۱۲۰). در سال ۱۸۲۰ درآمد سرانه در غرب اروپا، ۲٫۹ برابر آفریقا بود. و در ۱۹۹۲، این مقدار به ۱۳٫۲ برابر افزایش یافت (Maddison, 2001). گزارش اداره امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل درباره نابرابری جهانی ثروت در سال ۲۰۰۶ حاکی است که ۲ درصد ثروتمندترین جهان، مالک نصف دارایی‌های جهان هستند که توزیع کاملاً یک‌سویه ثروت‌های جهانی را به روشنی نشان می‌دهد. آمارها نشان می‌دهند که دهک اول درآمدی جهان فقط ۰/۵ درصد از مصرف جهانی و دهک دهم ۵۹ درصد از مصرف جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به آمار یونیسف (UNICEF)، 22 هزار نفر هر روز در جهان به دلیل فقر و گرسنگی می‌میرند. به طوری که در هر سال ۷/۶ میلیون کودک بر اثر فقر از بین می‌روند. که بر اساس آمار، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بالغ بر ۹۲ میلیون کودک به دلیل فقر مرده‌اند. علاوه بر این، تعداد زیادی نیز در روستاها و مناطق بسیار فقیر در روی کره زمین از بین می‌روند که امکان شناسایی و گرفتن آمار از آنها وجود ندارد. (Shah, 2011)

به‌رغم تلاش‌های فراوان اندیشه‌مندان توسعه‌انسانی، همایش‌ها و هزینه‌های گزاف، آمارها نشان از عدم موفقیت توسعه‌انسانی برای تامین حداقل‌های زندگی، بلکه وخیم‌تر شدن وضعیت مردم جهان می‌باشد. واقعاً باید این پرسش به طور جدی مطرح شود که چرا چنین است؟ پاسخ این پرسش، در تحلیل ناکامی نظریه‌های توسعه انسانی که در ادامه بیان می‌شود تا حدی روشن می‌گردد.

تحلیل ناکامی نظریه‌های توسعه انسانی

نظام اقتصادی سرمایه‌داری با انکار ربوبیت خدای متعال از عرصه اقتصادی، انسان‌محوری و اراده و خواست بشر را تنها خاستگاه طراحی نظام اقتصادی قرار داد. بنابراین، با هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خاصی، نظام اقتصادی سکولار خود را با اصولی معرفی کرد. این اصول همچنان اصول غیر قابل انکار این نظام اقتصادی است؛ چون در

مبانی هستی‌شناختی این نظام هیچ تغییری حاصل نشده است. این اصول به اختصار اشاره می‌شوند:

یک. اصل حداکثرسازی منفعت مادی شخصی: نظام اقتصادی سرمایه‌داری لیبرال، وقتی اراده انسان را خاستگاه طراحی نظام اقتصادی قرار داد، با تحلیل رفتار اقتصادی انسان، اعلام کرد که همه انسان‌ها در رفتارهای اقتصادی خود به دنبال حداکثرسازی منفعت مادی شخصی هستند. بنابراین، منفعت مادی شخصی خیر اعظم معرفی شد و هر کس بیشتر منفعت مادی را نصیب خود کند، سعادت‌مندتر است. در نتیجه، رفتار حداکثرسازی منفعت مادی شخصی نیز تنها رفتار عقلایی محسوب شد.

دو. اصل آزادی مطلق اقتصادی: وقتی منفعت مادی شخصی خیر اعظم شد، همه انسان‌ها باید در تحصیل آن آزاد باشند. چون آزادی در راه تحصیل سعادت انسان حق قطعی انسان است. بنابراین، هیچ مانعی نباید در مسیر اکتساب منافع مادی بیشتر انسان قرار گیرد و انسان‌ها در عرصه اقتصادی آزادی مطلق دارند.

سه. اصل مالکیت فردی مطلق اقتصادی: وقتی منفعت مادی شخصی خیر اعظم معرفی شود و همه انسان‌ها در اکتساب منفعت مادی آزادی مطلق داشته باشند، به‌طور طبیعی مالکیت مطلق اقتصادی باید پذیرفته شود.

چهار. اصل رقابت آزاد اقتصادی: سه اصل پیشین وقتی در کنار محدودیت منابع و امکانات اقتصادی قرار گیرند، فعالان اقتصادی ناچاراً در کسب منافع مادی بیشتر، با هم رقابت و مبارزه کنند. این مبارزه با توجه به اصول بیان شده تا جایی که رقبا ورشکست شده و از عرصه اقتصادی ساقط شوند، مجاز است.

پنج. اصل عدم مداخله دولت: لازمه رعایت اصول چهارگانه گذشته آن است که هیچ نهاد دنیوی و دینی از جمله دولت حق دخالت در رفتارها و روابط اقتصادی مردم را ندارند. دخالت دولت برای رفع موانع حداکثرسازی منافع مادی فعالان اقتصادی خوب است.

رعایت این اصول، به ویژه اصل رفتاری رقابت، رفتار انحصارگرانه را توجیه‌پذیر می‌کند. وقتی پیگیری حداکثر منفعت مادی شخصی، هدف فعالیت اقتصادی معرفی شود و فعالان اقتصادی در پیگیری این هدف آزاد بوده و حق رقابت با هم داشته باشند، به‌طور طبیعی رفتار انحصارگرانه باید پذیرفته شود. به همین جهت است برخی از محققان اقتصادی قبل از

جریان کامل شکل‌گیری نظام اقتصادی سرمایه‌داری بیان کردند که رقابت قاتل رقابت است و آن را به سمت انحصار پیش می‌برد (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹).

نتایج پیگیری این اصول در اقتصاد

یک. آزادی اقتصادی برای صاحب سرمایه

براساس اجرای اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری، آزادی تنها برای سرمایه و صاحب سرمایه محقق شد و اغلب فعالان حقیقی اقتصادی - نیروی کار ماهر و نیمه ماهر و ساده - در بهره‌مندی از آزادی اقتصادی محروم شدند. چون اجرای اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری، موجب تمرکز سرمایه و ثروت در دست افراد اندکی شد. این افراد قدرت اقتصادی جامعه را به دست گرفتند و تنها آنان قادر شدند درباره نوع، کیفیت، کمیت کالای تولیدی و نیز کالاها برای چه کسی تولید شود، تصمیم بگیرند. اما فعالان حقیقی اقتصادی تنها می‌توانند به استخدام صاحبان سرمایه درآیند و درباره امور پیشگفته حق هیچگونه تصمیم‌گیری نداشته باشند. در واقع نظام اقتصادی سرمایه‌داری، آزادی اقتصادی را تنها برای صاحبان سرمایه و قدرتمندان اقتصادی به ارمغان آورد. در حالی که اگر آزادی اقتصادی حق همه فعالان اقتصادی است، پس نظام اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا زمینه بهره‌مندی از آزادی اقتصادی برای همه فعالان اقتصادی فراهم شود.

دو. رقابت اقتصادی برای صاحب سرمایه

به دلیل پیشگفته، تنها صاحبان سرمایه حق بهره‌مندی از رقابت اقتصادی را پیدا کردند و فعالان حقیقی اقتصادی از رقابت محروم شدند.

سه. نفوذ صاحبان سرمایه در تقنین و اجرا

صاحبان سرمایه با قدرت سرمایه، تشکیلات تقنین و اجرای آن را در جامعه در اختیار گرفتند. بنابراین، دولت حاکم چاره‌ای جز حمایت از صاحبان سرمایه ندارد. چون اعضای دولت یا صاحبان سرمایه هستند یا صاحبان سرمایه با سرمایه خود آنان را بر جامعه حاکم کردند. بنابراین، در فرضی که صاحبان سرمایه تشکیلات تقنین و اجرای آن را در اختیار دارند، هرگز علیه خود قانون وضع و اجرا نمی‌کنند. در فرضی که افراد دولت توسط صاحبان سرمایه بر جامعه حاکم شوند، به نوعی دست‌نشانده صاحبان سرمایه هستند و نمی‌توانند علیه آنان و به نفع نیروهای فعال حقیقی قوانین را وضع و اجرا کنند.

مطالب گذشته نشان می‌دهد که نظریه‌های توسعه می‌خواهند به وسیله انسان، زندگی اجتماعی و اقتصادی وی متحول شود. درحالی‌که اولاً چنین امری با نظر به جریان سرمایه‌سالاری نظام اقتصادی حاکم، ممکن نیست و ثانیاً اصل نظریه توسعه انسانی با نقص بزرگی مواجه است که تحول خود انسان در فرایند توسعه مورد غفلت قرار گرفته است. توسعه انسانی واقعی تنها براساس مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی امکان دارد. براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام، می‌توان مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی‌ای ارائه داد تا بستر فعالیت برای هر سه گروه فعالان اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف کننده) فراهم شود و کارکرد آن مدل‌ها در جهت تحقق اهداف هر سه گروه فعال اقتصادی باشد. مجموع مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی که بر اساس تعالیم اسلامی، پیگیری می‌شوند عبارتند از:

۱. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام
۲. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط
۳. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف
۴. بنگاه‌های اقتصادی سهامی فراگیر (بازار بورس و...)
۵. بنگاه‌های اقتصادی فردی

با اجرای مجموع این مدل‌ها، هر سه گروه فعال اقتصادی به اهداف خود می‌رسند و توسعه واقعی با تحول انسان‌ها در مسیر توسعه واقع می‌شود و با نقش واقعی که همه انسان‌ها در فرایند توسعه برعهده می‌گیرند، توسعه واقعی اتفاق می‌افتد. در ادامه، ابتدا جامعه مطلوب اسلامی معرفی می‌شود و سپس مدل‌های وصول به چنین جامعه مطلوب ارائه می‌گردد.

جامعه مطلوب و سعادت‌مند اسلامی

بر اساس مبانی بینشی اسلام، انسان دارای دو بعد روح و جسم و دو مرحله از حیات (دنیای موقت و آخرت پایدار) است. و تمام اعمال و نیات او در این دنیا تعیین کننده سرنوشت او در جهان آخرت است.

اگر کسی در رفتارهای خود فقط به منافع دنیایی توجه داشته باشد، عمر خود را به نابودی کشانده و از سعادت دور شده است؛ اما اگر در رفتارهای خود آخرت را ملاک قرار دهد، از دو گونه سود بهره‌مند است: هم سود دنیا و هم سود آخرت را دارد.

علی(ع) در گفتاری لذت و حظّ اهل تقوا را از حیات خود بیش از دیگران برمی‌شمارد: ای بندگان خدا! بدانید که پرهیزگاران، هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود برند. آنان با اهل دنیا در امور دنیوییشان شریک شدند؛ اما اهل دنیا با آنان در امور اخروی شریک نشدند. در دنیا نیکوترین زندگی را داشتند و از بهترین نعمت‌های دنیا خوردند. لذت بردند از دنیا بدانی که اهل ناز و نعمت لذت بردند و از آن کامیاب شدند؛ چنان‌که جباران خودکامه کام گرفتند؛ آن‌گاه بر توشه‌ای که آنان را به مقصدشان رساند و تجارتی که سودشان دهد از دنیا رخت بر بستند. در دنیایشان طعم لذت زهد را چشیدند و یقین پیدا کردند که در آخرت در جوار خداوندند. دعای آنان بدون استجاب نیست و بهره آنان از لذت و خوشی کاهش نیابد.

براساس آنچه گذشت، هر انسان عاقلی در پی لذت‌های بیشتر و پایدارتر، و گریزان از رنج و الم زندگی دنیایی و آخرتی خود باید باشد؛ بنابراین، سعادت: برخورداری از لذت بیشتر و پایدار و دوری از رنج و الم در زندگی‌ای است که شامل زندگی دنیا و آخرت می‌شود.

براساس تعالیم اسلامی، اگر برای همه افراد جامعه بستر لازم حرکت به سمت سعادت وجود داشته باشد، می‌توان گفت آن جامعه، جامعه مطلوب، سعادت‌مند و مرّقه است. افراد آن از این‌که به سمت سعادت - که هدف آنان از زندگی است - در حرکت هستند، احساس می‌کنند در آسایش و رفاه می‌باشند. این جامعه از نظر اسلام دارای ویژگی‌های خاصی است که با مراجعه به آموزه‌های دینی می‌توان آن ویژگی‌ها را شناخت. بر اساس آموزه‌های اسلامی زندگی مطلوب دارای پنج عنصر: ۱. سلامتی ۲. امنیت ۳. وسعت روزی ۴. روابط سالم اجتماعی ۵. آسایش و رفاه است.

امام صادق در حدیثی به این عوامل تصریح می‌فرماید:

خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ، فَأَوْلَاهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَ الثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ وَ الثَّلَاثَةُ: السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ، وَ الرَّابِعَةُ: الْأَيْسُ الْمُوَافِقُ - [قال الراوي] قُلْتُ: وَ مَا الْأَيْسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الزُّوجَةُ الصَّالِحَةُ، وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ، وَ الْخَلِيطُ

الصَّالِحُ - وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ الدَّعَاةَ (ری شهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۱۷، ش ۳۲۸، العیش، ح ۱۴۷۶۶).

پنج چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را نداشته باشد، زندگی‌اش همواره با کاستی مواجه، خردش سرگشته و فکرش مشغول است: اول، تندرستی. دوم، امنیت. سوم، فراخی در روزی. چهارم، همدم سازگار. [اروی می‌گوید]: عرض کردم: منظور از همدم سازگار چیست؟ فرمود: زن نیک، فرزند نیک و همنشین نیک و پنجم که همه این ویژگی‌ها را جمع می‌کند، آسایش است.

منظور از سلامتی، سلامتی جسم و روان آدمی است. امنیت اطلاق دارد و اعم از امنیت اقتصادی است. وسعت روزی به وضعیتی گفته می‌شود که انسان حداقل بتواند تمام نیازهای ضروری و نسبی خود و افراد واجب‌النفقه خود را برآورده سازد. به عبارت دیگر به مقداری درآمد داشته باشد که متناسب با شأن خود به میزان کفاف هزینه کند. اگر تمام افراد جامعه دارای چنین شرایطی باشند در آن جامعه هیچ فقیری نخواهد بود و به یقین عدالت فراگیر و برقرار است. آنچه از تفسیر معصوم (ع) درباره همدم سازگار آشکار می‌شود، این است که اگر همه افراد جامعه چنین همدمی داشته باشند، آن جامعه در اوج روابط اجتماعی سالم بسر می‌برد.

یکی از نکات قابل ملاحظه در این روایت ویژگی پنجم است که دربردارنده چهار ویژگی دیگر است. چه هنگامی انسان در زندگی خود احساس آسایش دارد؟ انسان زمانی که مطمئن باشد در مسیر هدف زندگی خود قرار دارد، احساس آسایش و رضایت می‌کند. انسان مسلمان زمانی چنین آسایش و رضایتی را احساس می‌کند که مطمئن باشد در جهت پیشینه کردن مجموع رفاه دنیا و آخرت باشد. بنابراین، منظور از آسایش در این روایت زمانی حاصل می‌شود که انسان مسلمان افزون بر واجد بودن چهار عنصر بیان شده، واجد عناصر معنوی باشد که آخرتی مرقه را نیز برای او فراهم نماید. چهار عنصر بیان شده در روایت، رفاه دنیایی را برای انسان فراهم می‌کند؛ اما آسایش را نمی‌توانند برای انسان فراهم نمایند. آسایش زمانی فراهم می‌شود که انسان مطمئن باشد هم رفاه دنیایی و هم آخرتی را دارد، کما این که روایتی که از علی (ع) نقل شد بر این امر تصریح گردید.

این تحقیق معتقد است که در عرصه اقتصادی مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی می‌توانند بستر تحقق جامعه مطلوب اسلامی را فراهم کنند. بنابراین، ابتدا به مبانی

مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی اشاره می‌شود، سپس هر یک از مدل‌ها و کارکرد آن‌ها بررسی می‌شوند و نشان داده می‌شود که مجموع اجرای این مدل‌ها جامعه اسلامی را به سمت وضعیت مطلوب و پیشرفته پیش می‌برد.

جایگاه انسان و سرمایه در فرآیند اقتصادی (مبانی مردم‌سالاری اقتصادی)

براساس تعالیم اسلامی، سرمایه به تناسب نقشی که در فرایند اقتصادی دارد، پاداش دریافت می‌کند. اما برای تمام نیروهای فعال اقتصادی (نیروی کار و صاحب سرمایه) جایگاه ویژه‌ای قائل است که براساس آن، همه نیروهای فعال اقتصادی در فرآیند اقتصادی باید نقش مؤثری داشته باشند و پاداش مناسب دریافت کنند تا بدین وسیله، مردم‌سالاری دینی اقتصادی شکل بگیرد و عدالت اقتصادی و رفاه فراگیر شود. به برخی از این آموزه‌ها اشاره می‌شود:

۱. انسان اشرف تمام مخلوقات عالم است: *ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ* پس از آن (دمیدن روح پاک مجرد) خلقی دیگر انشاء کردیم، آفرین بر خدای متعال بهترین آفرینندگان.

خدای متعال این تعبیر را برای آفرینش هیچ موجود دیگری بکار نگرفته است. این آفرین گفتن به خود، دلیل بر عظمت آفرینش و آفریده است.

۲. انسان جانشین خدا در زمین است: *هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ*: او خدایی است که شما انسان‌ها را جانشین خود در زمین قرار داد.

۳. حفظ کرامت انسانی مورد تاکید آموزه‌های قرآنی است: *لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ*: حقیقتاً فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم.

۴. انسان مسجود ملائکه است: *إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا*: زمانی که به ملائکه گفتیم که بر آدم سجده کنید، سجده کردند.

۵. تمام نعمت‌های الهی برای انسان آفریده شده است: *هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا*: او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما (انسان‌ها) آفرید.

۶. خدای متعال در آیه دیگری بهره‌مندی همه مردم از نعمت‌های الهی را بر خود لازم کرده است: مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر عهده خدا است.

این نوع نگاه به انسان اقتضا دارد تا مردم‌سالاری اقتصادی دینی در عرصه اقتصادی به جای سرمایه‌سالاری اقتصادی حاکمیت پیدا کند. بدین وسیله، مدل‌های اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند تا سرمایه در خدمت همه انسان‌های فعال اقتصادی قرار گیرد. متناسب با این نوع نگاه، باید زمینه فعالیت اقتصادی به گونه‌ای فراهم شود تا حدالمقدور همه فعالان اقتصادی، مالک منابع و محصول تولیدی باشند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری ایفا کنند. همچنین، همه انسان‌هایی که خواهان فعالیت اقتصادی در چارچوب مالکیت خصوصی فردی هستند، آزادی اقتصادی داشته باشند تا متناسب با اهداف و انگیزه‌های شخصی خود فعالیت اقتصادی را دنبال کنند.

مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی، ابعاد و آثار آنها

لازم است به چند مطالب درباره این مدل‌ها توجه شود:

الف) مجموع این مدل‌ها براساس تفاوت روحیات و اهداف فعالان اقتصادی، نوع مالکیت بنگاه اقتصادی و اصل رفتاری اقتصادی و برخی ویژگی‌های دیگر که در ادامه بیان می‌شوند، قابل طراحی و اجرا هستند.

ب) هر یک از این مدل‌ها براساس تعالیم اسلامی و در چارچوب فقه اسلامی باید تحلیل و بررسی شوند. اما در این نوشتار صحت فقهی آنها به عنوان پیش فرض تحقیق تلقی می‌شود.

ج) هر مدلی ظرفیت بیشتری جهت تحقق مردم‌سالاری اقتصادی دینی و بستر تحقق جامعه مطلوب اسلامی را فراهم کند، نسبت به سایر مدل‌ها در اولویت می‌باشد.

۱. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام

در این مدل، هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) در کنار هم قرار می‌گیرند و اهداف همه آنها در فعالیت‌های اقتصادی تأمین می‌شوند و همه آنها در تصمیم‌گیری در امور مهم اقتصادی سهیم هستند. چون در این مدل، هر یک از اعضا، هم مصرف‌کننده، هم تولیدکننده و هم صاحب سرمایه هستند.

به جهت همین ویژگی به نام بنگاه اقتصادی مردم‌سالاری نام گذاری شده است. در این مدل، هدف فعالان اقتصادی، رفع نیازهای خود و سایر فعالان اقتصادی است. این امر بدان معنا نیست که اعضای فعال این مدل حق ندارند به قصد بهره‌مندی بیشتر از امکانات مادی به عضویت آن درآیند، بلکه مدل اقتصادی مردم‌سالاری نام به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شود که رفع نیازهای مادی همه اعضا هدف اولی و اصلی مدل می‌باشد و ساختار درونی مدل، این امر را محقق می‌کند.

برای تحقق این مدل باید مصرف‌کنندگان، تولید کالاها و خدمات مورد نیاز خود را بر عهده گیرند. این مدل، با پیگیری سه مرحله، اجرایی می‌شود که با توضیح مختصر این مراحل، ابعاد آن روشن‌تر می‌گردد.

مرحله اول: در این مرحله، بنگاههای اقتصادی توزیع و مصرف محلی تاسیس می‌شوند. همه افراد جامعه با قبول مسئولیت و تکالیفی که متوجه آنان هست و قادر به انجام آن باشند، حق بهره‌مندی از آزادی عضویت در این قبیل بنگاهها را دارند. آنان با خرید یا پذیرش تعهد حداقل یک سهم می‌توانند به عضویت این قبیل بنگاههای اقتصادی درآیند. با توسعه و تمرکز بنگاههای توزیع و مصرف، شعاع عمل وسیعی برای آنها در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی فراهم می‌شود. با توسعه بنگاههای اقتصادی توزیع و مصرف که تحت نظر اتحادیه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی فعالیت می‌کنند، حجم فروش کالاها گسترده می‌شود. بنگاههای توزیع و مصرف، کالاها را به قیمت بازار آزاد به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آنها منافع قابل توجهی از طریق جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش بین قیمت خرید و فروش به قیمت بازار آزاد، به دست می‌آورند. آنان با گسترش فعالیت اقتصادی در این مرحله، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند:

یک. به دست آوردن سرمایه کافی جهت راه‌اندازی بنگاههای تولیدی مرحله بعدی.
دو. مهمتر از هدف اول، به دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدات مرحله دوم. چون با داشتن تعداد قابل قبول اعضا، با اعتماد و اطمینان بیشتری اقدام به تاسیس بنگاههای تولیدی می‌کنند.

تاکید می‌شود، اتحادیه‌هایی که در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی در طول هم تشکیل می‌شوند، انواع هدایت‌ها و حمایت‌ها از قبیل: کمک‌های مالی، بازاریابی، فنی و ... را برای

بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تامّ ارایه می‌دهند و در کنار آن‌ها، بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی هر سه مرحله نظارت می‌کنند تا آن‌ها از چارچوب رعایت اصول خود خارج نشوند. مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری شده از طریق فروش سهام به اعضا و ذخایر حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مرحله اول، منابع قرض‌الحسنه و کمک‌های دولتی، کارخانه‌های تولیدی تاسیس می‌شوند. با تاسیس این قبیل واحدهای تولیدی، حدالمقدور کالاهای مصرفی اعضا به دست خودشان یا تحت نظارت آنان تولید و عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر، مصرف‌کنندگان، کالاهای مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت نظارتشان تولید می‌شوند. واحدهای تولیدی، کالاهای ضروری اعضا را در اولویت تولید قرار می‌دهند. بنگاههای تولیدی برای میزان تولید خود، از پیش، میزان تقاضا را به طور تقریبی اطلاع دارند. چون اغلب مشتریان آن‌ها، اعضای همین بنگاههایی هستند که در مرحله اول به عضویت درآمدند و به تعداد زیادی افزایش یافته‌اند. البته، در صورتی که مشکلی برای بنگاهها ایجاد نشود، کالاهای تولیدی را نیز می‌توانند به غیر اعضا بفروشند. بدین ترتیب، بین تقاضا و تولید تعادل ایجاد می‌شود. همچنین، به موازات پذیرش اعضای جدید و توسعه بنگاه، اعضای جدیدی جذب و مشغول به کار می‌شوند. یعنی از یک سو دائماً اشتغال را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، میزان اشتغال را با میزان تقاضا و تولید هماهنگ می‌کنند. بنابراین، موجب ایجاد اشتغال و رفع بیکاری متعادل در اقتصاد می‌شوند. مرحله سوم: در این مرحله، بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تام باید راساً مواد اولیه کالاهای خودشان تولید کنند. با خرید زمین، تهیه مواد اولیه از طریق معادن و ... تامین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم می‌کنند. بدین ترتیب، با فرض این‌که همه مراحل تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و مصرف و ... توسط خود اعضا انجام می‌شود، تاخت و تاز بنگاههای سرمایه‌داری خصوصی کنترل می‌گردد. با تاسیس این قبیل بنگاههای مردم‌سالاری تام به نزاع بین کارگران و کارفرمایان و مصرف‌کنندگان پایان داده می‌شود. این نزاع در نظامات اقتصادی که مبنا را بر بخش خصوصی سرمایه‌داری قرار داده‌اند، امری پایدار و خسارت‌بار است. در این قبیل نظام‌های اقتصادی، کارفرما با تاسیس بنگاههای اقتصادی به دنبال سود حداکثری خود است. لازمه تحویل سود حداکثری کاهش هزینه‌ها است. یکی از اقلام مهم هزینه‌ها دستمزد نیروی کار است. بنابراین، همه تلاش خود را انجام می‌دهد تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت کند. از سوی دیگر نیروی کار با عرضه

کار خود، انتظار دستمزد حداکثری از کارفرما را دارد. لازمه دریافت دستمزد حداکثری کاهش سود کارفرما است. بنابراین، بین منافع کارفرما و نیروی کار، تضاد جدی و پایداری وجود دارد. این تضاد منافع و نزاع، مشکلات فراوانی در عرصه اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، بین کارفرما و عرضه کنندگان کالا از یک سو و بین مصرف کنندگان از سوی دیگر نیز تضاد و نزاع تمام نشدنی وجود دارد. عرضه کننده کالا با عرضه کالا درصدد سود حداکثری است. عرضه کننده برای این که به سود حداکثری برسد از تمام شرایط بازار استفاده و سوء استفاده می‌کند حتی با احتکار و تبلیغات خلاف واقع و ... تا کالایش را به حداکثر قیمت بفروشد. در طرف دیگر، مصرف کننده، با مقدار ثابت درآمد ماهانه برای تامین حداکثر نیازهای مادی وارد بازار می‌شود. اما مرتب با افزایش قیمت کالاها مواجه می‌شود. این نزاع بین سه گروه فعالان اقتصادی، آثار زیان‌باری به دنبال دارد. این نزاع برای جامعه اسلامی که مبنای وحدت را در همه عرصه‌ها اصل مسلم قرار داده است، زیان‌بارتر است. اما این نزاع در بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تام منتفی می‌شود. چون هر عضو این بنگاهها صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف کننده هستند.

با توافق اعضا و تصویب هیات مدیره، سود متناسبی به سرمایه آن‌ها تعلق می‌گیرد. همچنین، نیروی‌های کار، از دستمزد مناسبی بهره‌مند می‌شوند. اعضای غیر شاغل که تنها اقدام به خرید کالاهای تولیدی جهت مصرف می‌کنند، افزون بر دریافت سود سهام متناسب، کالاهای با کیفیتی خریداری می‌کنند. همچنین، در پایان دوره مالی مبلغی تحت عنوان مازاد برگشتی دریافت می‌نمایند. البته، از این مزیت تمام اعضای شاغل نیز بهره‌مند هستند. بنابراین، اهداف هر سه گروه: صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف کنندگان در این قبیل بنگاهها تامین می‌شود و نزاع بین آنان برطرف می‌گردد.

با توجه به مطالبی که در پایان مرحله دوم و سوم بیان شد، با اجرایی کردن هر سه مرحله، رفاه عمومی برای همه اعضا، بلکه برای عموم مردم به سمت بهبودی پیش می‌رود. چون این بنگاهها دائماً در صدد توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود و ایجاد زمینه اشتغال برای همه مردم هستند. همچنین، واسطه بین مصرف کننده و تولید کننده از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسید، برای مصرف کننده صرفه جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف

کنندگان قبلاً به سرمایه‌داران می‌رسید، به نفع مصرف‌کنندگان، صرف انجام امور تولیدی یا موجب افزایش قدرت خرید آنان می‌شود.

ویژگی‌ها و پیامدها

این مدل دارای ویژگی‌ها و پیامدهای ذیل است:

۱. مالکیت در این مدل، از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر تام است. یعنی هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) به مقداری واجد مالکیت هستند که به اعتبار آن، حق تصمیم‌گیری در امور اقتصادی بنگاه را پیدا می‌کنند.
۲. مردمسالاری اقتصادی دینی محقق می‌شود. چون با توجه به مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر تام و نیز اصل مدیریت همگانی، هر سه گروه فعال اقتصادی در این مدل به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند.
۳. نزاع بین سه گروه فعال اقتصادی برطرف می‌شود و اهداف هر سه گروه در این مدل، تامین می‌گردد. چون هر یک از اعضا، صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده کالای تولیدی هستند. بنابراین، نزاع مخربی که در بخش خصوصی سرمایه‌سالاری وجود دارد، در این مدل اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، وحدت و یکپارچگی مورد نظر اسلامی در عرصه اقتصادی محقق می‌شود و هر سه گروه فعال اقتصادی در کنار هم تلاش می‌کنند. همچنین اهداف هر سه گروه فعال اقتصادی در این مدل تامین می‌شود. چون صاحب سرمایه سود متناسبی دریافت می‌کند؛ نیروی کار به دستمزد مطلوبی می‌رسد و مصرف‌کننده با تهیه کالاهای مطلوب، نیازهای مادی خود را برطرف می‌نماید.
۴. اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل، حاکم است. در نتیجه، این مدل هم از مزایای اصل رفتاری رقابت بهره‌مند است و هم با پیگیری اصل رفتاری تعاون در درون مدل، از آفات رقابت به دور خواهد ماند.
۵. در این مدل، بین میزان مصرف و تولید، تعادل برقرار می‌شود. در نتیجه، احتمال وقوع رکود و تورم کاهش می‌یابد. میزان تقریبی تقاضای کالا در مرحله اول مشخص می‌شود. اعضای بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تام با خرید خود در مرحله اول مشخص می‌کنند که چه میزان تقاضا و برای چه نوع کالاهایی وجود دارد. بنابراین، هیات مدیره جهت تولید کالاها برای مرحله دوم و سوم برنامه‌ریزی می‌کند و بین میزان مصرف و تولید

تقریباً تعادل برقرار می‌شود. ایجاد تعادل بین مصرف و تولید عامل مهم کنترل تورم و رکود است.

۶. بیکاری کاهش پیدا کرده و باعث ایجاد اشتغال متعادل می‌شود. چون تمام افراد جامعه با قبول مسئولیت، می‌توانند عضو این قبیل بنگاهها شوند و از مزایای آن بهره‌مند گردند. بنابراین، دائماً اعضای آن در حال افزایش هستند. افزایش اعضا به معنای افزایش تقاضا است. با افزایش تقاضا، برنامه‌ریزی برای افزایش تولید صورت می‌گیرد. با افزایش تولید، اشتغال افزایش می‌یابد. چون میزان افزایش تقاضای کالا غالباً معلوم است، افزایش نیروی کار متناسب با این افزایش انجام می‌گیرد. بنابراین، افزایش نیروی کار جدید متناسب با تقاضا و تولید انجام می‌شود. البته، دقیق نمی‌توان میزان آن را مشخص کرد، اما این برآورد به‌گونه‌ای خواهد بود که ظرفیت خالی تولید هم از نظر نیروی کار و نیز به لحاظ سرمایه در این مدل وجود نداشته باشد.

۷. مولفه‌های عدالت اقتصادی محقق می‌شود. چون هر یک از اعضا سه نوع درآمد دارند. دستمزد مناسب با تخصص و میزان کار، سود سهام و از سود خالص اقتصادی به میزان نقشی که در تولید آن دارند، بهره‌مند می‌شوند. بنابراین، تمام اعضا با این سه نوع دریافتی در حد کفاف درآمد کسب خواهند کرد. همچنین، همه افراد جامعه با پذیرش مسئولیت خود می‌توانند در این مدل اقتصادی عضو شوند. پس از عضویت، با توجه به اصول اجرایی که در این مدل دنبال می‌شود، بستر بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضا فراهم می‌شود. با توجه به تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، شکاف درآمدی کاهش پیدا می‌کند و زمینه‌های ایجاد فقر، کنترل می‌گردد.

تحقق مدل بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تام و نیز بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری متوسط نیازمند فرایند مدیریتی دقیق و نیز اصول اجرایی خاصی است. این اصول عبارتند از: اصل عضویت آزاد مسئولانه، اصل مدیریت همگانی، اصل آموزش و اطلاع‌رسانی دائمی به اعضا، اصل مازاد برگشتی، اصل سود محدود برای سرمایه (سود متناسب برای سرمایه). این اصول دارای ابعاد و ویژگی‌های دقیقی است که در این نوشتار مجال پرداختن به آنها نیست و به منابع مورد اشاره مراجعه شود (یوسفی، ۱۳۹۳، صص ۲۴-۴۰).

نگاه مقام معظم رهبری (تعاونی‌های فراگیر ملی)

مقام معظم رهبری همیشه دغدغه گسترش عدالت اقتصادی، رفع فقر از جامعه، تامین رفاه عمومی و تقویت اقتصادی دهک‌های پایین جامعه را داشته‌اند. ایشان در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی بر مدلی از اقتصاد تاکید دارند که به نظر می‌رسد، یکی از مصادیق کامل مدل بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تام باشد. معظم‌له تاکید دارند تا تعاونی‌های فراگیر ملی جهت تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به‌منظور فقرزدایی تاسیس شود. ایشان در بند ۱۱ سیاست‌های کلی بخش تعاون فرمودند:

تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به‌منظور فقرزدایی.

همچنین، در بند ۲-۲ در مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری بنگاههای اقتصادی بخش دولتی برای اختصاص این درآمدها برای تاسیس و حمایت این قبیل بنگاهها فرمودند: اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی.

متأسفانه تاکنون کسی مقصود مقام معظم رهبری از تعاونی فراگیر ملی را تفسیر نکرده است. اما به نظر می‌رسد مقصود مقام معظم رهبری از تعاونی فراگیر ملی، آن مدلی از فعالیت اقتصادی است که فعالیت آن به لحاظ جغرافیایی، در سطح ملی صورت گیرد و به لحاظ افراد، همه آحاد مردم در سطح ملی بتوانند از این فعالیت اقتصادی بهره‌مند شوند. یعنی همه مردم در سطح ملی به معنای واقعی دارای مالکیت باشند. به عبارت دیگر مالکیت آن خصوصی مشاعی فراگیر تام باشد. با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد تعاونی فراگیر ملی یکی از مصادیق بنگاههای اقتصادی مردم‌سالاری تام باشد.

تامین منابع مالی در شرایط فعلی

بهترین منبع تامین مالی این مدل، درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها است. با توجه به ساختار مدل، تمام منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند در فرایند تولید ملی قرار گیرد و نیز همه مردم می‌توانند از منافع آن بهره‌مند شوند. قریب ۴۰ هزار میلیارد تومان در سال درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها به مردم داده می‌شود. این درآمد و نیز درآمدهای حاصل از هدفمندی مرحله دوم به این امر اختصاص پیدا کند.

۲. بنگاههای اقتصادی مردم سالاری متوسط

در ادامه وجه تسمیه این بنگاهها روشن می شود. در این قبیل بنگاههای اقتصادی، همه اعضا و نیروی کار به نحو مشاع مالک بنگاه اقتصادی و صاحب سرمایه هستند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری دارند. سازگاری کامل بین اهداف کارفرما و نیروی کار به وجود می آید. چون نیروی کار همان کارفرما و صاحب سرمایه است. به دلیلی که در مدل قبلی بیان شد، نزاع موجود در بخش خصوصی سرمایه محور بین نیروی کار و کارفرما در این مدل وجود ندارد. همچنین، به دلیلی که در مدل پیش بیان شد، نزاع بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان در این مدل از بین نمی رود. با عنایت به اینکه تنها نزاع بین دو گروه فعال اقتصادی برطرف می شود، به اسم بنگاههای اقتصادی مردم سالاری متوسط نامیده شد. برای تاسیس این قبیل بنگاههای اقتصادی هر یک از اعضا باید حداقل سرمایه را به عنوان حق عضویت پرداخت کنند. تامین سرمایه اولیه حتی با دریافت وام، از تکالیف مسلم هر فردی است که خواهان عضویت در این قبیل بنگاههای اقتصادی می باشد.

ویژگی ها و پیامدها

این مدل دارای ویژگی ها و پیامدهای ذیل است:

۱. مالکیت در این مدل از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر متوسط است. یعنی تنها دو گروه از فعالان اقتصادی (نیروی کار و کارفرما) دارای مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر هستند.
۲. مردم سالاری اقتصادی دینی در عرصه تولید محقق می شود. چون با توجه به اصل مدیریت همگانی، همه فعالان اقتصادی در این مدل به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند.
۳. وحدت و یکپارچگی مورد نظر اسلامی در عرصه تولید محقق می شود و هر دو گروه فعال اقتصادی (صاحب سرمایه و نیروی کار) در کنار هم تلاش می کنند. اهداف هر دو گروه فعال اقتصادی در این مدل تامین می شود. چون هر عضو نیروی کار، صاحب سرمایه نیز هست. پس افزون بر دریافت دستمزد مطلوب، سود متناسبی دریافت می کند. علاوه بر آنها از سود خالص اقتصادی به میزانی که در تولید آن نقش دارد، بهره مند می شود.

۴. اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل، جاری است. در نتیجه این مدل، هم از مزایای اصل رفتاری رقابت بهره‌مند است و هم با اصل رفتاری تعاون در درون مدل، از آفات رقابت به دور خواهد بود.

۵. مولفه‌های عدالت اقتصادی در این مدل، محقق می‌شود. چون هر یک از اعضا سه نوع درآمد دارند. دستمزد مناسب با تخصص و میزان کار، سود سهام متناسب و از سود خالص اقتصادی به میزانی که در تولید آن نقش دارد، بهره‌مند می‌گردد. بنابراین، تمام اعضا با این سه نوع دریافتی در حد کفاف درآمد کسب خواهند کرد. همچنین، با توجه به اصول اجرایی این مدل، بستر بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضا فراهم می‌گردد. با توجه به تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، شکاف درآمدی کاهش پیدا می‌کند، توزیع مناسب و عادلانه ثروت و درآمد در سطح جامعه اتفاق می‌افتد و زمینه‌های فقر از بین می‌رود. البته، با توجه به این‌که مصرف‌کنندگان در طرف دیگر این مدل قرار دارند، تاثیر مدل اقتصادی مردم‌سالاری تام در تحقق مؤلفه‌های پایدار عدالت اقتصادی، تامین رفاه عمومی و رفع فقر بیشتر از مدل اقتصادی مردم‌سالاری متوسط است.

تامین منابع مالی در شرایط فعلی

با توجه به ویژگی‌ها و پیامدهای مثبت بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط، شایسته است منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها برای کمک به این قبیل بنگاه‌های تولیدی اختصاص پیدا کند. البته، مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با توجه به آثار مثبت آن‌ها نسبت به این مدل در اولویت است.

۳. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف

در این مدل، مالکیت اصلی بنگاه‌های اقتصادی برای یک یا چند نفر است. به همین جهت، مدیریت فرایند اقتصادی تماماً با مالکان اصلی است. اما تمام نیروهای کار، مالکیت حداقلی از بنگاه اقتصادی دارند. این مالکیت حداقلی هیچ‌گونه حقی جهت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی برای نیروهای کار ایجاد نمی‌کند. هدف مالکان اصلی در این مدل، حداکثر نمودن سود مادی خودشان است. بنابراین، تلاش می‌کنند تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت کنند. از سوی دیگر، نیروهای کار به دنبال دستمزد حداکثری هستند. بنابراین، اصل نزاع بین این دو گروه فعال اقتصادی وجود دارد. اما از آنجایی که کارگران احساس

می‌کنند که بنگاه اقتصادی متعلق به آنان نیز هست، میزان نزاع بین نیروی کار و کارفرما به شدت کاهش پیدا کرده و کارگران با علاقه بیشتری کار می‌کنند و بنگاه اقتصادی از آسیب‌های شدید نزاع بین نیروی کار و کارفرما در امان خواهد ماند و فرایند مدیریتی، سهل‌تر صورت می‌گیرد. در این مدل، نیروی کار افزون بر دستمزد، از سود سهام حداقلی نیز بهره‌مند است.

ویژگی‌ها و پیامدها

یک. مالکیت در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر ضعیف است. یعنی هر دو گروه فعال اقتصادی (کارگر و کارفرما) مالک بنگاه اقتصادی هستند، اما تنها مالکان اصلی حق مدیریت و تصمیم‌گیری درباره فرایند اقتصادی را دارند.

دو. نزاع بین کارفرما و نیروی کار کاهش یافته و آسیب‌های آن به حداقل می‌رسد.

سه. اصل رفتاری حاکم، رقابت اقتصادی است.

چهار. با توسعه مالکیت‌ها، نیروی کار افزون بر دستمزد، از سود سهام ناشی از مالکیت حداقلی بهره‌مند است. در نتیجه، به توزیع ثروت و دارایی مناسب در جامعه کمک می‌شود. اما دامنه این توزیع ثروت و درآمد نسبت به دو مدل قبلی ضعیف‌تر است.

۴. بنگاه‌های اقتصادی سهامی فراگیر (بورس و بنگاه‌های اقتصادی سهامی)

هدف از تاسیس این قبیل بنگاه‌های اقتصادی، تنها حداکثر کردن سود مادی صاحبان سرمایه و مالکان آنها است. مالکیت در این قبیل بنگاه‌های اقتصادی، از نوع مالکیت خصوصی مشاعی غیر فراگیر است. یعنی مالکیت اصلی منابع و محصول تولیدی برای چند سهامدار است. آنان برای تامین منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری بیشتر، بخشی از سهام خود را از طریق بازار بورس به دیگران واگذار می‌کنند. گارگران در این قبیل واحدهای تولیدی ممکن است هیچ‌گونه سهمی از مالکیت نداشته باشند. همچنین، هیچ نقشی در مدیریت فرایند اقتصادی ندارند. اصل رفتاری حاکم، رقابت اقتصادی است. نزاع بین صاحبان سهام اصلی و بین نیروی کار و مصرف‌کننده حاکم است.

این مدل نسبت به مدل‌های قبلی در سطح ملی باعث تمرکز ثروت و درآمد می‌شود. البته، نسبت به بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت فردی، توزیع ثروت و درآمد در این مدل، مناسبتر است.

۵. بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت خصوصی فردی

برخی افراد اصلاً روحیه مشارکت و همکاری با دیگران را ندارند. این قبیل افراد فعالیت‌های اقتصادی خود را به قصد حداکثر کردن سود مادی شخصی به نحو انفرادی دنبال می‌کنند. بنابراین، مالکیت منابع و محصول تولیدی تنها برای یک فرد است. اصل رفتاری حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی، اصل رقابت است. نزاع بین کارفرما و بین نیروی کار و مصرف کننده حاکم است.

این مدل موجب تمرکز ثروت و درآمد می‌شود و توزیع ثروت و درآمد در این مدل، نسبت به مدل‌های قبلی نامناسب است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

اجرای مجموع مدل‌های اقتصادی موجب می‌شود تا در عرصه اقتصادی شرایط زیر حاصل شود:

۱. فعالان اقتصادی براساس انگیزه‌های خود هر پنج نوع مالکیت خصوصی را در عرصه اقتصادی دنبال می‌کنند.

۲. بستر فعالیت اقتصادی برای همه افراد جامعه فراهم می‌شود. بنابراین، هر یک از فعالان اقتصادی در درون مدل اقتصادی به حقوق اقتصادی خود می‌رسند و نیز به تکالیف اقتصادی‌شان در برابر دیگران عمل می‌نمایند. هر سه گروه فعال اقتصادی به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند و فعالیت اقتصادی را در مسیر تحقق اهداف خود می‌بینند. با تحقق اصول اجرایی مدل‌های مردم‌سالاری تام و متوسط، وحدت و مشارکت اقتصادی بین فعالان اقتصادی اتفاق می‌افتد. بدین وسیله، مردم‌سالاری اقتصادی دینی محقق می‌شود.

۳. با اجرای مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی، رفاه مطلوب اسلامی برای آحاد جامعه فراهم می‌شود. بدین وسیله، عدالت اقتصادی در جامعه محقق می‌شود. فقر به نحو پایدار کنترل می‌گردد و توزیع مناسب ثروت و درآمدها اتفاق می‌افتد.

۴. با توجه به ویژگی‌های مدل‌های بیان شده، هر مدلی در تحقق جامعه مطلوب اسلامی پیشرفته نقش بیشتری داشته باشد، در اولویت قرار خواهد داشت. بنابراین، مدل اول تا پنجم به ترتیب در اولویت می‌باشد. این امر بدان معنا است که مسئولین نظام اقتصادی برای وصول به جامعه مطلوب پیشرفته اسلامی باید در تخصیص امکانات ملی مدل‌های بیان شده را به ترتیب در اولویت قرار دهند.

فهرست منابع

- بیو، والدن، (۱۳۷۶)، پیروزی سیاه، ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی، چاپ اول، تهران، انتشارات نقش جهان.
- جهانیان، ناصر، (۱۳۹۱)، «نقد الگوی توسعه انسانی و پیشنهاد راهبردهای اصلاحی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۶، سال دوازدهم، ۶۲-۳۵.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۸۱)، مبارزه با فقر: گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۰-۲۰۰۱ بانک جهانی، ترجمه معاونت امور اجتماعی، تهران، دفتر امور تأمین اجتماعی.
- سپهری، محمدرضا، (۱۳۷۸)، توسعه انسانی، تهران، وزارت کار و امور اجتماعی.
- سن، آمارتیا، (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، انتشارات دبستان.
- قدیری اصلی، باقر، (۱۳۷۶)، سیر اندیشه‌های اقتصادی، چاپ نهم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گریفین، کیت و تری مک‌کنلی، (۱۳۷۷)، توسعه انسانی: دیدگاه و راهبرد، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور تادوانی، تهران، انتشارات وداد.
- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۴)، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
- یوسفی، احمدعلی، (۱۳۹۳)، آیین تعاونی از منظر اسلام، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Thorbecke, Erik, (2006), The Evolution of the Development Doctrine, 1950-2005, United Nations University, Research Paper, Retrieval at: <http://www.rrojasdatabank.info/rp2006-155.pdf>.
- UNDP, Human Development Report, 1990, Retrieval at: http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/219/hdr_1990_en_complete_nostats.pdf.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکلاوی معاییم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداو ۱۳۹۳

- UNDP, Human Development Report, 2010, Retrievable at: http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/270/hdr_2010_en_complete_reprint.pdf.
- UNDP, Human Development Report, 2011, Retrievable at: http://www.undp.org/content/dam/undp/library/corporate/HDR/2011%20Global%20HDR/English/HDR_2011_EN_Complete.pdf.
- Gordon, David, "Eradicating Poverty in the 21st Century: When will Social Justice be done?" Inaugural Lecture, 18th October, 2004.
- Milanovic, Branko, (1999), "True World Income Distribution, 1988 and 1993", World Bank, Development Research Group, Retrievable at: <http://elibrary.worldbank.org/doi/pdf/10.1596/1813-9450-2244>.
- Maddison, Angus, (2001), The World Economy: A Millennial Perspective, Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.
- Shah, Anup, (2011), "Today, around 21,000 children died around the world," Retrievable at: <http://www.globalissues.org/article/715/today-21000-children-died-around-the-world>.
- World Development Indicators 2008, World Bank, August 2008, Retrievable at: <http://data.worldbank.org/products/data-books/WDI-2008>.